آخر خط

## کشف پاتوق اجاره‌ای زن مواد فروش

**ابوعطا|** دو موضوع بود که متهم خودش را پشت آن ها مخفی کرده بود. اول اینکه هر بار در محله ای خانه اجاره می‌کرد که کسی او را نشناسد، موضوع بعدی مربوط به جنسیت او بود که کمتر شهروندی گمان می‌کند یک زن میان سال ساقی موادمخدر باشد و مهمان هایی که آن ها را به عنوان فک و فامیلش به همسایه ها معرفی می‌کرد، مشتریانش باشند. اما تحرکات مشکوک این زن در بولوار طبرسی شمالی از چشم مأموران دور نماند. مأموران کلانتری نواب صفوی با رصدهای پلیسی به اطلاعاتی از توزیع مواد افیونی در یک خانه مسکونی در محدوده بولوار طبرسی شمالی، دست یافته و پیگیری موضوع را به طور ویژه در دستورکار قرار دادند. در تحقیقات نامحسوس مأموران انتظامی، مشخص شد زنی میان سال در یک خانه استیجاری اقدام به تهیه و توزیع موادمخدر می‌کند. مأموران انتظامی پس از هماهنگی با مقام قضایی در اقدامی ضربتی و با رعایت موازین شرعی و قانونی او را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاهش یک کیلو و ۴۵۰ گرم تریاک و مقادیری ماده مخدر شیشه به همراه وجه نقد حاصل از فروش مواد مخدر کشف کردند. متهم پس از تشکیل پرونده به دادسرا معرفی شد.

خبر روز

## آدم ربایی به خاطر کینه طلاق

**ایسنا|** پلیس به پرونده گروگان گیری یک دختر جوان با دستگیری عامل این حادثه پایان داد. در پی وصول یک فقره پرونده نیابت قضایی با موضوع فقدان و ربودن یک دختر جوان از سوی دادسرای یکی از شهرستان های کشور و ارجاع آن به دادسرای امور جنایی تهران، رسیدگی به این موضوع به طور ویژه در دستورکار کارآگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. بررسی های اولیه نشان داد که دختر جوان اواخر آبان ماه امسال هنگام بازگشت از محل کار به منزل ناپدید شده و تلفن همراهش نیز از دسترس خارج شده است. همچنین خودرو متعلق به او به شکل مشکوکی در مسیر رها شده بود. در ادامه تحقیقات، مشخص شد نامزد سابق این دختر به عنوان مظنون اصلی پرونده مطرح است. با انجام اقدامات اطلاعاتی و تخصصی، محل تردد خودروی متهم در استان تهران شناسایی شد و پس از هماهنگی با مرجع قضایی، تیم های عملیاتی پلیس آگاهی به طور هم زمان به چند محل شناسایی شده در تهرانپارس و بومهن اعزام شدند. در جریان این عملیات، کارآگاهان ضمن شناسایی مخفیگاه متهم، موفق شدند فرد ربوده شده را نجات دهند. متهم که قصد فرار و مقاومت در برابر مأموران را داشت، در یک عملیات غافل گیرانه دستگیر شد. متهم در تحقیقات اولیه به ربایش دختر جوان با انگیزه انتقام جویی پس از قطع رابطه و صدور حکم طلاق اعتراف کرد و اظهار داشت با کمک برادرش، وی را به تهران منتقل و در منزلی در بومهن نگهداری کرده است. متهم پس از معرفی به مرجع قضایی و صدور قرار قانونی، با دستور مقام قضایی برای اعزام به شهرستان صادرکننده نیابت، تحویل یگان بدرقه انتظامی شد.

جهان حوادث

## سقوط هواپیمای نیروی دریایی مکزیک

**ایلنا|** پنج نفر پس از سقوط یک هواپیمای نیروی دریایی کشور مکزیک در سواحل تگزاس کشته شدند. هشت نفر در این هواپیما بوده اند که پنج نفر از آن ها کشته شده و دو نفر دیگر نجات یافتند. همچنین جست وجو برای یافتن یک نفر دیگر همچنان ادامه دارد. هواپیما در حال انجام یک مأموریت انتقال پزشکی بشردوستانه با همکاری یک بنیاد مکزیکی بوده که هنگام نزدیک شدن به گالوستون برای فرود، دچار سانحه شده است.

## لغزش اتوبوس در بزرگراه یخ زده افغانستان با ۶ کشته

**مهر|** در پی انحراف از مسیر یک اتوبوس مسافربری در بخش یخ زده بزرگراه در استان بغلان در شمال افغانستان، شش مسافر کشته و ۴۲ نفر دیگر زخمی شدند. این حادثه در بزرگراه سالنگ، مسیری کلیدی که کابل را به استان های شمالی متصل می‌کند، به دلیل بی احتیاطی در رانندگی رخ داده است. همه مجروحان برای درمان به بیمارستانی در استان بغلان منتقل شدند.

## گم شدن آب یک رودخانه در انگلیس!

**ایسنا|** در حادثه ای نادر، بر اثر فروریزش بخشی از کانال «لانگولن» در منطقه «شراپشایر» انگلیس، آب رودخانه تخلیه شد و قایق ها به گل نشستند. اما به گفته مهندسان، این حادثه در اثر شکست دیواره خاکی کانال رخ داده است و باعث شده حجم زیادی از آب به زمین های اطراف سرازیر شود و بستر کانال فروبریزد. بعضی از قایق های به گل نشسته در واقع خانه های صاحبانشان محسوب می شوند که داخل آن ها زندگی می کنند. مقامات محلی اعلام کردند که این حادثه تلفات جانی نداشته است.

گشت زنی پلیس به تعقیب و گریز نفس گیر و دستگیری یک سارق حرفه ای منجر شد

# مادر متهم: پسرم به خاطر عشق، دزدی می‌کرد!

سعید جلائیان

گزارش

ساعت ۷ صبح، مأموران کلانتری سجاد حین گشت زنی در حوزه استحفاظی خود، توجهشان به یک دستگاه پراید جلب شد. مأموران، بدون جلب توجه پلاک این خودرو را استعلام گرفتند. هنوز وضعیت پلاک مشخص نشده بود که پلیس متوجه تفاوت پلاک عقب و جلوی خودرو شد. لحظاتی بعد نیز پاسخ استعلام رسید و مشخص شد که پلاک های متفاوت این خودرو، چند روز قبل از خودروهای دیگر سرقت شده است. موضوعی که توجه سرهنگ ابراهیم خواجه پور، رئیس کلانتری سجاد را جلب کرد تا جایی که از مأموران خواست این خودرو را با هدف شناسایی همدستان احتمالی زیرنظر بگیرند و دستور اعزام واحدهای گشت بعدی به محل را صادر کرد. دقایقی بعد مشخص شد که فرد مظنون، یک پراید دیگر را زیر نظر گرفته است، پرایدی که با مراجعه مالکش، انگار نقشه های متهم نقش بر آب شد و مظنون شروع به حرکت کرد. با حرکت پراید، مأموران ضمن تعقیب خودرو به راننده دستور ایست دادند. متهم اما نه تنها به این دستور ایست توجه نکرد، بلکه سعی کرد با ویراژهای خطرناک از دست مأموران فرار کند.

تعقیب و گریز نفس گیر پلیس و متهم به بولوار وکیل آباد کشیده شد. متهم با سرعت در این بولوار به فرارش ادامه داد تا اینکه به سمت کنارگذر وکیل آباد ۷ فرمانش را چرخاند. حرکت خطرناک متهم برایش گران تمام شد و خودروی پراید پس از برخورد شدید با یک گاری زباله و یک تیر چراغ برق از حرکت ایستاد. پس از این سانحه متهم کوشید با پای پیاده از محل فرار کند که دستگیر شد. مأموران با بررسی وضعیت جسمانی راننده، با اطمینان از سلامت متهم که خودش را «بهنام. پ» معرفی کرده بود، او را به کلانتری سجاد منتقل کردند.

**کشف پلاک های سرقتی بیشتر**

پس از انتقال متهم، مشخص شد که خودروی پراید مدتی قبل از حاشیه یک مرکز درمانی سرقت شده است. مأموران در بازرسی از خودرو، چهار عدد پلاک، باتری خودرو و تعدادی لوازم داخل خودرو به همراه ابزار کامل سرقت از وسایل نقلیه کشف کردند. مأموران پس از بازکردن پلاک های خودرو متوجه شدند که زیر پلاک های نصب شده، یک جفت پلاک دیگر هم وجود دارد. با این کشفیات، مأموران پیش از بازجویی، سوابق متهم را بررسی کردند. هرچند متهم، خود را «بهنام» معرفی کرده بود اما در کلانتری به اشتباه خودش را «بهروز» معرفی کرد. او خیلی زود متوجه اشتباهش شد اما فرصت نکرد اشتباهش را جبران کند و مأموران با استفاده از تجهیزات نوین پلیسی متوجه شدند که نام واقعی متهم «اصغر» است و پیش از این چهار مرحله به اتهام سرقت دستگیر شده و به زندان رفته است.

**ادعای متهم از حضور دوست خیالی یا واقعی**

متهم که چندین بار سعی کرده بود مأموران را فریب دهد، این بار از یک همدست نام برد و در بازجویی مدعی شد: من دوستی به نام «رضا دودو» دارم که هر دو در منطقه خواجه ربیع سکونت داریم. دزدی های ما با هم است و بیشتر باتری و دیگر لوازم خودرو را سرقت می‌کنیم. صبح امروز هم رضا دنبال من آمد تا با هم دور بزنیم و دزدی کنیم. به محدوده امامت که رسیدیم، رضا برای پیدا کردن سوژه از خودرو پیاده شد. او رفت و من هم یک پراید را زیر نظر گرفتم. خودرویی که مالکش سررسید و نشد که از آن سرقت کنیم، همان لحظه متوجه حضور پلیس شدم. اول فکر کردم مأموران مشغول گشت زنی معمولی هستند و کاری به من ندارند. برای همین بود که می خواستم طبیعی رفتار کنم اما وقتی به من دستور ایست دادند، تصمیم گرفتم فرار کنم. به بولوار وکیل آباد که رسیدم، به ذهنم رسید ناگهان وارد کنارگذر شوم و به این ترتیب مأموران را جا بگذارم و فرار کنم، برای همین با وجود سرعت زیاد ماشین، به یک باره فرمان را چرخاندم و تصادف کردم.

**شاکی: یک هفته پیش پراید را خریده بودم**

یک ساعت از دستگیری متهم نگذشته بود که شاکی به کلانتری سجاد مراجعه کرد. یکی از آن ها خوشحال بود و دیگری ناراحت. فرد خوشحال، مالک خودروی پراید بود. مرد میان سال با حضور در کلانتری شروع به قدردانی از رئیس کلانتری و مأموران کرد. او ضمن ارائه مدارک خودرو به مأموران گفت: من نیروی خدماتی یک مرکز درمانی هستم. حقوق بسیار کمی می‌گیرم. با وجود این، سال ها پس انداز کردم تا توانستم با تمام پس اندازم همین پراید را قسطی بخرم. می خواستم با این خودرو کار کنم و اقساطش را بدهم. چند روزی هم این کار را کردم، اما یک هفته بعد از خرید، خودرو را از من دزدیدند. آن روز من شیفت شب بودم و کمی دیر به محل کار رسیدم. زمان زیادی را در خیابان های اطراف بیمارستان برای پیدا کردن جای پارک صرف کردم. صبح زود، پس از اتمام کار، با وجود خستگی زیاد می خواستم به خانه برگردم که متوجه سرقت پراید شدم.

**پسری که به دزدی کشیده شده بود**

هنوز اظهارات مالک خودرو تمام نشده بود که زن سالمند وارد کلانتری شد. این زن خود را مادر متهم معرفی کرد و به دفاع از پسرش پرداخت: سیزده سال قبل، شوهرم من و پسرم را رها کرد و رفت. بعد از آن، من و اصغر خرج خانه را با هم تأمین می‌کنیم. پسرم در این مدت با دوستان نابابی آشنا شد. آن ها پسرم را به کار خلاف کشاندند و برای دزدی می بردند. البته اصغر به من می‌گفت کار می‌کند تا اینکه دستگیر شد و من فهمیدم دروغ می‌گوید. آخرین بار که پسرم از زندان بیرون آمد، عاشق دختری به نام پریسا شد. این دختر تأثیر بدی روی پسرم داشت و متوجه می شدم اصغر خیلی بیشتر از قبل دزدی می‌کند. این پراید را هم بعد از آشنایی با این دختر دزدید. وقتی پراید را به خانه آورد، به من گفت که آن را خریده ام و مادر حالا باید به خواستگاری پریسا برویم. او خیلی اصرار کرد اما من به بهانه های مختلف تعلل کردم تا اینکه پسرم گفت که رابطه اش با پریسا به هم خورده است. همچنین از من خواست تا برایش آستین بالا بزنم و هرچه زودتر برایش همسر خوبی پیدا کنم.

مادر متهم با این اظهارات، اگرچه سبک شد اما تأثیری بر روند رسیدگی پرونده نداشت و متهم پس از تکمیل پرونده، برای پنجمین بار به دادسرا منتقل و راهی زندان شد.

عکس تزئینی است

## کلت اسباب‌بازی، کارت شناسایی مأمور قلابی!

عکس تزئینی است

حادثه داغ

**محمدجواد ابوعطا|** یکی از شگردهای مأموران قلابی، همراه داشتن تجهیزات نظامی انتظامی بیش از حد است؛ استفاده از کلت و چاقو، افشانه، باتوم و همچنین بستن فانوسقه و... که اتفاقا مأموران انتظامی در مأموریت ها و گشت زنی هایشان کمتر از این وسایل استفاده می‌کنند. اما اینکه چرا مأموران جعلی این همه وسایل همراهشان می‌کنند، فقط برای رسیدن به این هدف شوم است که اگر سراغ قربانیانشان رفتند با دیدن کلت اسباب بازی و دیگر تجهیزات جعلی، فریب خورده و از مأمور کارت شناسایی نخواهند و به حرفش هم گوش کنند. افسران تجسس کلانتری سجاد در روزهای گذشته، درحالی در جریان حرکت عجیب یک مأمور انتظامی از سوی شهروندان قرار گرفتند که شستشان خبر داد، احتمالا با یک مأمور نما روبه رو هستند. با افزایش تعداد شکایت ها از به ظاهر مأموری که در روز روشن از شهروندان اخاذی کرده بود، گروهی از افسران کلانتری سجاد تحقیقات جامعی را در این زمینه آغاز کردند.

مأموران با شنیدن اظهارات مال باختگان و تجمیع این اظهارات، موفق شدند که مشخصات ظاهری متهم را به دست آورند. در ادامه یک سری تحقیقات میدانی نیز چاشنی کارشان شد که با دیگر اطلاعات محرمانه منجر به شناسایی متهم شد.

مأموران پیش از اینکه متهم به سراغ شهروندان بیشتری برود و تخم بی اعتمادی به نیروهای انتظامی را بیش از این در جامعه بپاشد، هماهنگی های قضایی را انجام داده و با شناسایی محل تردد متهم او را دستگیر کردند. همچنین در بازرسی بدنی از این فرد، یک قبضه کلت کمری قلابی کشف شد. در ادامه متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

۳ کشته در ۳ روز

## قاتل خاموش در شهر

خبر

**جلائیان|** از چهارشنبه هفته پیش که به طور ناگهانی دمای استان کاهش یافت، شهروندان به استفاده از وسایل گرمایشی، بیشتر روی آوردند. وسایلی که کوچک ترین نقص در آن ها می تواند سبب انتشار گاز مونوکسیدکربن در محیط شود و مسمومیت و مرگ را در پی داشته باشد. حوادث تلخی که چند روز پیش، جان سه عضو یک خانواده را در شهرستان خواف گرفت و همین حادثه برای یک مرد جوان در شهرستان سرخس هم اتفاق افتاد و او بر اثر مسمومیت با گاز مونوکسید کربن جان باخت.

حالا سه روز است که این قاتل خاموش در مشهد جولان می دهد و به دنبال روزنه ای برای ورود به خانه ها می‌گردد. این قاتل مخوف در روزهای گذشته ابتدا با نشت از لوله بخاری یک خانه ویلایی، جان دو جوان دهه هشتادی را در محدوده روستای انداد مشهد گرفت. این حادثه در حالی رخ داد که دو مرد جوان بیست و یک و بیست و سه ساله برای گرم نگه داشتن خانه، تمامی مسیر ورود هوا را به خانه مسدود کرده و به نقص فنی لوله بخاری نیز توجهی نکرده بودند.

در حالی تحقیقات پلیس درباره مرگ مشکوک این دو مرد آغاز شده بود که قاتل خاموش این بار در سوئیت یک باغ ویلا در منطقه فردوسی شناسایی شد. در این سوئیت، مردی جوان بدون بررسی مسیر دودکش، وسایل گرمایشی را روشن کرده بود تا از سرمای استخوان سوز این شب های مشهد رهایی پیدا کند. وسیله ای که نه تنها او را گرم نکرد، بلکه صبح روز بعد خانواده اش با پیکر بی جان و سردش روبه رو شدند. پس از اعلام این موضوع به پلیس و نیروهای امدادی، اجساد قربانیان به پزشکی قانونی منتقل شد. پلیس تحقیقات خود را برای کشف علت این حوادث آغاز کرده است.
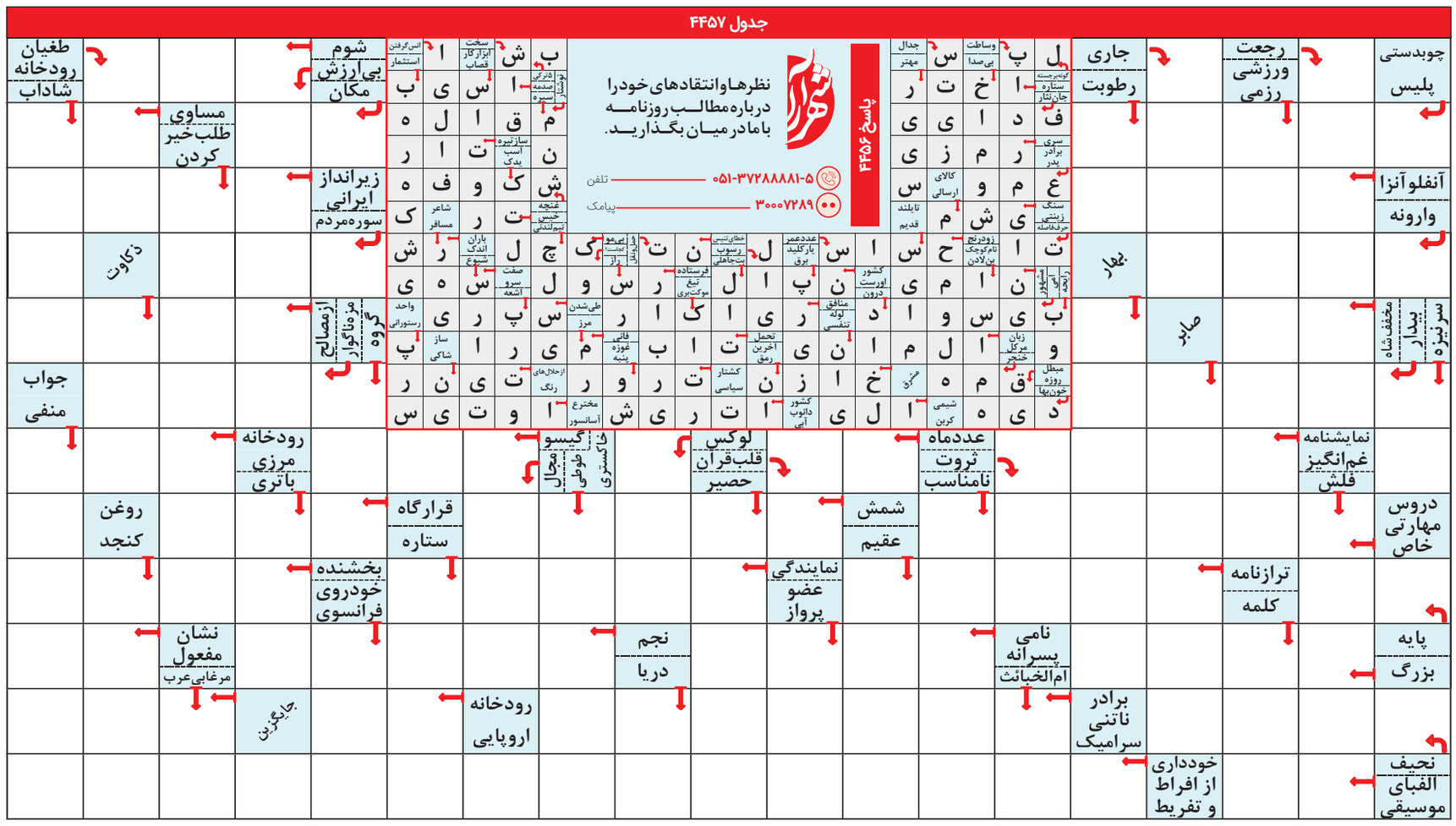
جدول ۴۴۵۷